

تدریس گروهی

راهبرد آموزش به دانش آموزان دارای نیازهای ویژه در نظام آموزش فراگیر

نویسنده: دیوید میتچل / ترجمه و تنظیم: آناهیتا خضری / کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

چکیده

تدریس گروهی^۱ یکی از راهبردهای آموزشی مؤثر به دانش آموزان دارای نیازهای ویژه در نظام آموزش فراگیر است. آموزش فراگیر رویکردی مبتنی بر عادی سازی است و هدف آن آماده کردن فرد با نیازهای ویژه برای زندگی مناسب در جامعه می باشد. در آموزش فراگیر دانش آموزان دارای نیازهای ویژه در کلاس های درس عادی در کنار سایر دانش آموزان با استفاده از خدمات معلم مرجع (رابط) به عنوان تسهیل گر مشغول به تحصیل می شوند. در راهبرد آموزشی تدریس گروهی، گروهی از افراد با تخصص های متفاوت از طریق همکاری و ترکیب تخصص، به پیشرفت آموزشی دانش آموزان متناسب با نیاز آنان کمک می کنند. در مقاله حاضر ضمن توصیف این راهبرد آموزشی، اشکال و مزایای آن، به مخاطرات استفاده از تدریس گروهی و نقش معلم در اجرای موفقیت آمیز آن پرداخته می شود. **واژه های کلیدی:** تدریس گروهی، دانش آموزان دارای نیازهای ویژه، عادی سازی، آموزش فراگیر

مقدمه

در آموزش دانش آموزان دارای نیازهای آموزشی ویژه به همکاری افراد بسیاری، بخصوص والدین و متخصصان نیاز است. این امر به ویژه در نظام آموزش فراگیر دیده می شود که معلمان کلاس به نحو مطلوبی با معلمان آموزش استثنایی، درمانگرها، متخصصان پزشکی، معلمان کمکی / فراحرفه ای^۲ و البته والدین کار می کنند. بجای اینکه تک نواز باشید، عضوی از ارکستر باشید و شما، به عنوان معلم، باید رهبر ارکستر باشید.

تعریف

تدریس گروهی با عباراتی نظیر مشورت گروهی^۳، تدریس مشارکتی^۴، آموزش کمکی^۵، خدمات گروهی یا وحدت عمل نیز شناخته می شود. همکاری و ارتباط خوب بین معلم و متخصصان به پیشرفت آموزشی دانش آموزان کمک کرده و در مواردی که دانش آموز دارای نیازهای ویژه است برقراری چنین ارتباطی محسوس تر و می تواند شکل های مختلفی داشته باشد. تدریس گروهی بر مبنای اینکه بیشتر شناخت و آگاهی ما به لحاظ اجتماعی حاصل می شود، قرار دارد. به این معنا، ما در محیط دور و بر خود از دیگران می آموزیم.

اشکال تدریس گروهی:

- ۱- آموزش کمکی: گاهی اوقات به عنوان تدریس مشارکتی تعبیر می شود و در موقعیت های آموزش فراگیر روی می دهد که معلم کلاس و معلم آموزش استثنایی، مهارت و تخصص خود را برای برطرف کردن نیازهای تمامی دانش آموزان کلاس ترکیب می کنند. هر دو، نقش همکاران برابر را می پذیرند و معمولاً به این معنا نیست که آموزگار آموزش استثنایی، مسوولیت منحصر به فرد دانش آموزان با نیازهای ویژه را بر عهده می گیرد و آموزگار عادی مسوولیت سایر دانش آموزان را قبول می کند. بلکه، به معنای توجه کردن به تخصص یکدیگر به منظور مفید بودن برای تمامی دانش آموزان کلاس می باشد. توجه به موارد ذیل در اجرای موفقیت آمیز آموزش کمکی لازم است:

 - حمایت فعال از سوی ریاست مدرسه
 - برنامه ریزی مناسب، منظم و مشترک در زمان
 - توافق در مورد روش هایی برای نحوه برخورد و کنترل رفتارهای آشوبگر یا تنبلی در کارها از سوی دانش آموزان
 - توافق بر ساختار و اهداف درس نظیر راهبردهای آموزش و شیوه های ارزشیابی
 - ارتباط روشن با والدین در مورد تمهیدات کمک آموزشی

۴- همکاری با متخصصان: علاوه بر معلمان، بسیاری دیگر از متخصصان نیز با دانش آموزان با نیازهای ویژه ارتباط دارند. با توجه به نوع نیاز آنها، شما، به عنوان معلم احتمالاً با یک سری از بخش‌های دولتی نظیر بهداشت، تأمین اجتماعی، دادگستری و سازمان‌های مدافع گروه‌های مختلف ناتوانی در ارتباط هستید. این ارتباطات ممکن است منجر به تعاملات شما با متخصصانی نظیر روان‌شناس، پزشک، گفتاردرمانگر، کاردرمانگر، فیزیوتراپ، پلیس، مددکار اجتماعی، و کلا و نمایندگان جامعه بشود. کار کردن با افراد صاحب نظر و دارای سوابق تخصصی که به طور چشمگیری با تخصص شما تفاوت دارند، چالش‌های اصلی را می‌تواند بوجود آورد.

۵- همکاری با والدین: والدین، شریک اصلی در آموزش فرزندانشان هستند. والدین کودکان دارای نیازهای آموزشی ویژه لازم است در تدوین برنامه‌های مربوط به فرزندان خود و در نتیجه تعیین خدماتی که به آنها ارائه می‌شود دخالت داده شوند.

دلایل بسیاری برای ایجاد و گسترش روابط اثربخش شما، به عنوان معلم با والدین دانش‌آموزانی که به آنان تدریس می‌کنید به ویژه کودکان دارای نیازهای ویژه‌ی آموزشی وجود دارد:

✓ والدین به احتمال زیاد تنها افرادی هستند که در تمامی سال‌های مدرسه با آموزش و پرورش فرزندشان درگیر هستند، بنابراین شاید علاقه بیشتری نسبت به یادگیری فرزندشان داشته باشند و پیامدهای حاصل از هرگونه تصمیم آموزشی بیش از همه بر آنها تأثیر می‌گذارد.

✓ والدین از رشد فرزندشان و عوامل ایجادکننده‌ی نیازهای آموزشی ویژه‌ی وی آگاه هستند. آنها عموماً می‌توانند به طور کلی به معلم بگویند که چه چیزی فرزندشان را برمی‌انگیزد و چه راهبردهای آموزشی و مدیریتی بیشترین اثربخشی را دارند.

✓ والدین به معلمان کمک می‌کنند تا درک بیشتری نسبت به برخی ابعاد رفتار فرزندشان بدست آورند.

✓ کار کردن با والدین احتمال ثبات اهداف رفتاری را در خانه و مدرسه و فرصت‌ها را برای تقویت رفتارهای مناسب

۲- مشورت: این یک مدل انتقال غیرمستقیم خدمات است و در آن مشاور به طور مستقیم با دانش‌آموزان کار نمی‌کند جز آن که هر از گاهی یک راهبرد آموزشی را توضیح می‌دهد. ماهیت این رویکرد این است که مشاور یا معلم آموزش استثنایی (یا سایر متخصصان) به معلم کلاس در مورد برنامه‌هایی که باید دانش‌آموزان با نیازهای ویژه دنبال کنند، توصیه و راهنمایی می‌کند. هر دو معلم پاسخگوی زمان آموزشی خارج از کلاس هستند و در مورد انطباق برنامه آموزشی، آموزش و ارزیابی‌های مورد نیاز این گروه از دانش‌آموزان بحث می‌کنند. معلم آموزش استثنایی مواد آموزشی اضافی (بیشتر) را تدارک می‌بیند و به بهبود جو کلاس کمک می‌کند. در تمام این موارد، معلم کلاس مسوولیت اصلی را برعهده دارد.

به منظور تحقق این مدل، معلم آموزش استثنایی باید با برنامه آموزشی که در کلاس اجرا می‌شود به طور کامل آشنا باشد و معلم کلاس باید مسوولیت اصلی را برای آموزش تمامی دانش‌آموزان کلاس برعهده گیرد.

۳- همکاری با معلم کمکی/ افراد فراحرفه‌ای: معلم کمکی یا افراد فراحرفه‌ای، ساعات آموزش محدودتری دارند و بنابراین مسوولیت کمتری نسبت به معلم کلاس خواهند داشت. از این رو در تصمیم‌گیری برای نقش آنها، نظر تعیین‌کننده این است که اگرچه اکثر آنها بسیار شایسته و با تجربه هستند، اما نباید به آنها اجازه داد، نقشی کامل به عنوان یک معلم را داشته باشند. مسوولیت برنامه‌ریزی کار آنها و نظارت‌های بعدی به‌عهده معلم است.

اگرچه هدف اصلی معلم کمکی معمولاً حمایت و پشتیبانی از دانش‌آموزان با نیازهای آموزشی ویژه است، اما لزوماً بدان معنا نیست که آنها باید منحصراً با این دانش‌آموزان کار کنند. به عنوان نمونه معلم کمکی می‌تواند با گروه‌هایی از دانش‌آموزان که شامل دانش‌آموز با نیازهای ویژه یا عادی باشد کار کند. مهمترین مسأله این است که معلم کمکی نباید دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را نسبت به حمایت خود بسیار وابسته کند بلکه، باید به آنها کمک کرده تا مستقل بار بیایند.

دهند که فرایند یادگیری و آموزش را از طریق شناسایی و توجه به نیازهای دانش آموز، معلم و مدرسه حمایت خواهد کرد. یکی از راه های موفقیت این گروه ها، حمایت و تشویق ریاست مدرسه و دیگر رؤسای ارشد و با سابقه می باشد. وظیفه اصلی گروه های گسترده مدرسه، گسترش قوانین و فرهنگ سازی مدرسه در زمینه حمایت از دانش آموزان با نیازهای آموزشی ویژه است همانطوری که بر شناسایی و حمایت های فردی دانش آموزان تأکید می کند. گروه ها نیاز به رئیس متعهد، پیش برنده و ضبط کننده برنامه ها و تصمیمات دارند و به منظور تسهیل برقراری ارتباط، جایی که در دسترس باشد از فن آوری پیشرفته استفاده کنند.

مزایای تدریس گروهی

- ۱- دارای امکان خلق اقدام جمعی است.
- ۲- دارای امکان ایجاد فرصت برای شما، به عنوان معلم است تا شیوه های جدید توجه به موانع یادگیری را یاد بگیرید و برای همکاران، که از شما یاد بگیرند. بنابراین فاصله و جدایی شغلی را کاهش می دهد که اغلب در آموزش روی می دهد.
- ۳- هماهنگی خدمات را برای دانش آموزان با نیازهای ویژه افزایش می دهد. یکی از مسایلی که اغلب والدین را دلسرد می کند، پیچیدگی خدمات و خصوصیات فردی است که توقع دارند با آنها مذاکره کنند.
- برای تحقق این مزایا، شما، به عنوان معلم باید مهارت کارکردن عضوی از گروه را به عنوان بخشی از آموزش فرا بگیرید. اگر عادت کرده اید مانند یک متخصص یگانه، تنها کار کنید، این گام بزرگی است برای گسترش شیوه های جدید نحوه عمل که در آن مسوولیت و تخصص خود را با افراد حرفه ای دیگر در سایر رشته ها تقسیم کنید. در آن موقع مسایل محرمانه و شخصی به عمومی و همگانی تبدیل می شود. به این معنا، آنچه زمانی در کار حرفه ای شما پوشیده و غیر آشکار بوده اکنون برای دیگران آشکار و توصیف شده است. هنگامی که خصوصیات و نظرات دیگران را می پذیرید ظاهراً استقلال شما کاهش یافته است، با اینهمه تدریس

افزایش می دهد. همچنین بر شمار تقویت کننده های موجود می افزاید.

✓ والدین با مشارکت فعال، درک بیشتری نسبت به تحصیلات فرزند خود و بینش و اهداف مدرسه به دست می آورند.

✓ ارتباط منظم با والدین حس مسوولیت پذیری معلمان را بالا می برد.

✓ اگر کودکان ببینند که والدین و معلمان آنها با یکدیگر همکاری دارند، پیام های مثبتی درباره ی اهمیت آموزش خود دریافت می کنند.

پنج سطح متفاوت همکاری والدین به شرح ذیل است:

سطح ۱: آغاز آگاهی دادن: در این مقدماتی ترین سطح، مدرسه، والدین را از برنامه ها بااطلاع می کند و به نوبت برای گرفتن اطلاعات سؤال می شود.

سطح ۲: مشارکت در فعالیت ها: در این سطح، والدین در فعالیت ها به میزان محدودی دخالت داده می شوند. برای مثال ممکن است از آنها برای حضور در کارهای مختلفی دعوت بشود.

سطح ۳: گفتگو و تبادل نظر: در این سطح والدین دعوت می شوند تا نیازها و اهداف مدرسه یا کلاس را بررسی کنند.

سطح ۴: مشارکت در تصمیم گیری: در این سطح از والدین در باره ی نظراتشان در زمان تصمیم گیری برای کودکان سؤال می شود. مثالی از این سطح نشست برنامه ی آموزش فردی است.

سطح ۵: مسوولیت داشتن برای عمل: این بالاترین سطح است که والدین در مشارکت با مدرسه تصمیم می گیرند و در طراحی و ارزیابی بخش های برنامه ی مدرسه دخالت داده می شوند. مثال خوبی از این سطح دخالت دادن والدین کودکان دارای نیازهای آموزشی ویژه در تدوین و ارزیابی سیاست های مدرسه است. مثال دیگر نقشی است که والدین ممکن است به عنوان معلم برای فرزند خود ایفا کنند.

۶- گروه های گسترده مدرسه^۷: این گروه ها خدمات پشتیبانی متناسب و به معنای واقعی را به دانش آموز و معلم ارائه می -

احتمالی را پیش بینی کنید و تا حد ممکن از آن‌ها دوری کنید. نمی‌توان گفت که مخالفت قابل اجتناب است یا حتی باید از آن اجتناب کرد.

- جلسات دوره ای برای بررسی پیشرفت در تمهیدات گروهی ترتیب دهید.

مخاطرات

- خطرات اصلی در اجرای موفقیت آمیز تدریس گروهی به شرح زیر خلاصه می شود:
- دشواری در گرد هم آوردن شرکت کنندگان اصلی گروه
- دشواری در برقراری ارتباط میان رشته های تخصصی و تطبیق طیفی از تئوری ها و ویژگی ها
- فقدان اهداف روشن برای همکاری
- فقدان حمایت از سوی مدیران و رؤسا
- فقدان آموزش و تعلیم لازم

نتیجه گیری

رویکردهای گروهی برای آموزش به دانش آموزان با نیازهای ویژه در نظام‌های آموزشی سراسر جهان تحقق یافته‌اند. اگرچه ابعاد زیادی از همکاری و کار گروهی هنوز تحت بررسی هستند اما شواهد تجربی کافی در حمایت از فلسفه زیربنایی برای اجرای آن وجود دارد.

گروهی برای شما و دانش آموزان با نیازهای ویژه مفید خواهد بود.

نقش معلم در تدریس گروهی

شما به عنوان معلم باید برای گسترش تمهیدات گروهی و تدریس گروهی موفقیت آمیز عوامل زیر را در نظر داشته باشید:

- اهداف روشن و مشترک برای ایجاد همکاری تعیین کنید.
- نقش های مربوط به خود را تعریف کنید و مسوولیت ها را مشخص کنید، اما مسوولیت مشترک را برای تصمیم گیری و پیامدهای آن ها بپذیرید.
- رویکرد حل مسأله را انتخاب کنید با این هدف که همه در تمهیدات گروهی حل مشکل و راه حل آن دخیل هستند.
- فضایی از اعتماد و احترام متقابل برای مهارت و تخصص یکدیگر بوجود آورید.
- برای یادگیری از دیگران مشتاق باشید.
- بر مبنای توافق عمومی تصمیم گیری و هدف گذاری کنید.
- پرسید و جويا شوید و بازخورد عینی و مستقیم به دیگران در حالت غیر تهدید آمیز و بی طرفانه نشان دهید
- به نظرات دیگران و دستاورد های آنان اعتبار بدهید.
- روشی را برای برطرف کردن کشمکش‌ها در نظر بگیرید و آن را با مهارت مدیریت کنید. بهتر است کشمکش‌های

زیر نویس ها :

- | | |
|-----------------------------------|------------------------|
| 1- collaborative teaching | 5- co – teaching |
| 2- paraprofessional/teacher aides | 6- consultation |
| 3- collaborative consultation | 7- school – wide teams |
| 4- cooperative teaching | |

منبع:

MITCHEL D.(2008). *What Really Works in Special and Inclusive Education*.pp:60-66

مروری بر مقاله‌های مرتبط

خوانندگان گرامی

شاید افراد اندکی مطلع باشند که در حال حاضر بیش از ۴۰ نشریه‌ی داخلی به طور مستقیم یا غیرمستقیم مطالبی را در خصوص کودکان استثنایی به چاپ می‌رسانند. مایه خوشحالی است که تعداد نشریات متعددی در قالب مقاله‌هایی با موضوعات مختلف پزشکی، روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری، توان‌بخشی و آموزشی، به موضوع کودکان با نیازهای ویژه پرداخته و میل به اطلاع از آنها را در علاقمندان به این حوزه‌ی علمی بیش از گذشته افزایش داده‌اند، با این حال باید پذیرفت که علی‌رغم اشتیاق فراوان علاقمندان به اطلاع از مطالب مندرج در این نشریات، عوامل متعددی سبب می‌شود که علاقمندان نتوانند به نحو مقتضی به اصل مقاله‌ها دست یابند. نشریه‌ی تعلیم و تربیت استثنایی به منظور پاسخگویی به این نیاز خوانندگان خود تصمیم دارد در هر شماره، صفحه‌ای را به درج خلاصه‌ی مقاله‌های مفید سایر نشریه‌های علمی اختصاص دهد تا به سهم خود گام کوچکی در این راستا برداشته باشد. امید است خوانندگان گرامی ما را از نظریات خود در این خصوص بهره‌مند سازند و با ارایه‌ی پیشنهادهای مفید خود، ما را در دستیابی به اهداف جدیدمان یاری رسانند.

مقایسه نیم‌رخ حافظه کودکان عادی با کودکان دچار

ناتوانی‌های یادگیری در املا، ریاضی و روخوانی

یکی از مسائلی که در دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته ناتوانی‌های یادگیری است. ناتوانی‌های یادگیری این‌گونه تعریف شده‌اند: اختلال در یک یا چند فرآیند روان‌شناختی پایه که در فهم یا به‌کارگیری زبان، صحبت کردن و نوشتن دخالت دارند. یکی از ویژگی‌های مهم این کودکان، اختلال در کارکردهای حافظه (مثلاً، نقص در حافظه کوتاه مدت و حافظه کاری و نقص خفیف در رمزگردانی و راهبردهای شناختی و فراشناختی) است و به همین دلیل نیز در مورد حافظه این کودکان تحقیقات بسیاری شده است.

آنچه از مجموعه تحقیقات خارج از ایران به دست می‌آید این است که احتمالاً کودکان دچار ناتوانی در یادگیری، از نظر کارکردهای حافظه، با کودکان عادی تفاوت دارند. تحقیقات داخلی در این حوزه محدود است. برای مثال، رضانی و فرضی گلفزانی (۱۳۸۱) در پژوهشی حافظه کوتاه مدت دانش‌آموزان دچار ناتوانی یادگیری ریاضی و دانش‌آموزان عادی را مقایسه کردند. نتایج بیانگر کارکرد ضعیف دانش‌آموزان حساب نارسا در آزمون حافظه بود. بسیاری از پژوهش‌های دیگر هم نشان داده‌اند که بین ناتوانی‌های یادگیری و حافظه ارتباط معناداری وجود دارد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۷۹؛ احدی و کاکاوند، ۱۳۸۳؛ عابدی، ملک‌پور، مولوی، عریضی سامانی و امیری، ۱۳۸۷).